

نگاهی به کتاب «کمیته ۳۰۰؛ کانون توطئه‌های جهانی»

# کار، کارِ انگلیسی‌هاست

حدیث ملاحسینی

روزنامه‌نگار



ما ایرانیان در طول زندگی‌مان چندین و چند بار با جمله معروف «کارِ انگلیسی‌هاست» و یا عبارات مشابهی که برخاسته از ذهنیتی است که عمیقاً به تئوری توطئه باور دارد، مواجه شده‌ایم. ممکن است جملاتی با این مضمون و جهت‌گیری را حتی در قالب طنز و شوخی هم در زمانی که با واقعه‌ای محیرالعقول و به دور از انتظار مواجه می‌شویم به کار ببریم. این مرام فکری، هرگونه اتفاق بغرنج و عموماً ناگواری که در سطح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رخ می‌دهد را به دست‌ها و قدرت‌های پشت پرده و نیت شوم و شیطانی آنان نسبت می‌دهد. واقعیت امر این است که وقتی چنین طرز تفکری وارد طعنه‌ها و مزاح‌های روزمره مردم می‌شود، به گونه‌ای که حتی به صورت ضرب‌المثل درمی‌آید، حاکی از این است که این دیدگاه ریشه عمیقی در تاریخ و روان‌شناسی انسان ایرانی دارد.

## باور به دستان پنهان پشت پرده

در باب این مسأله نقدهای فراوانی از جانب اندیشمندان و روشنفکران صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که باور به تئوری توطئه را به عنوان یک بیماری فکری قلمداد می‌کنند که سد راه تفکر و بینش نقادانه حقیقی می‌شود. حال اگر نیک بنگریم، متوجه می‌شویم که باور به دستان پنهان پشت پرده در رقم‌زدن رخداد‌های مختلف در درجه اول، تنها منحصر به کشور ایران نیست و در درجه دوم، چندان هم پندار سراسر باطل و بیهوده‌ای به شمار نمی‌آید.

کتاب «کمیته ۳۰۰؛ کانون توطئه‌های جهانی»، به قلم کسی که خود یک انگلیسی‌ست و پیش‌تر به عنوان یک مأمور اطلاعاتی حرفه‌ای خدمت کرده نوشته شده است. جان کولمن که بنا به اقتضای شغلی خود به مدارک فوق‌محرمانه‌ای در زمینه‌های مختلف دسترسی داشته، اطلاعاتی را افشا می‌کند که فارغ از درست یا غلط بودنش، هر انسان دغدغه‌مند و کنجکاوی را به تأمل وامی‌دارد و این قابلیت را دارد که حرارت بحث‌های جدی پیرامون مسائل جهانی را بالا ببرد.

## گردانندگان جهان چه کسانی هستند؟

براساس دیدگاه کولمن، یک حکومت پنهان جهانی دنیا را اداره می‌کند و عنان اختیار حکومت همه کشورها را در دست دارد. این حکومت پنهان، سودای آن را دارد که یک جهان تک‌حکومتی یا یک نظم نوین جهانی را برپا دارد که بتواند به تمامی مردمان کره زمین سلطه براند.

این افراد صاحب قدرت که از آنان به عنوان اعضای کمیته ۳۰۰ یاد می‌شود، افراد پیدای پنهانی هستند که در عرصه سیاست رخ نشان می‌دهند و حضوری فعال دارند. به عبارت دیگر، آنان کسانی هستند که از شدت نزدیکی و آشنایی با ما بسیار غریبه به نظر می‌رسند؛ همان طور که در بخشی از متن کتاب می‌خوانیم:



## فقر به خصوص

## در کشورهای

## در حال توسعه

## از جمله اقدامات

## این کمیته مخوف

## است که به نوعی

## نفوذ خود را به

## شکلی آشکار و

## خشن به نمایش

## می‌گذارد. همه

## ابعاد زندگی ما

## آدم‌ها، اعم از

## ابعاد سیاسی،

## اقتصادی،

## اجتماعی و

## فرهنگی فارغ از

## این که در کجای

## این جغرافیا به سر

## می‌بریم در کنترل

## این افراد قرار دارد

«همه این مردان در معرض دید قرار دارند. اینان بندگان جهان تک‌حکومتی نظم نوین جهانی هستند. به متجاوزین به ناموس شباهت دارند که حتی ممکن است قربانی خود را سوار اتومبیل نموده و تا محل تجاوز، محترمانه و مودبانه راهنمایی نمایند.»

با تعمق در این عبارات، به این نکته می‌رسیم که روش اعمال نفوذ و پیشبرد اهداف کمیته ۳۰۰ به گونه‌ای است که از ظاهر قابل قبول و ای بسا خوشایندی برخوردار است. بدین معنا که آنان اهداف پلید خود را به شکلی عریان بیان نمی‌دارند، بلکه به شیوه‌ای تدریجی و نرم، همچون ماده‌ای افیونی که آرام‌آرام وارد رگ‌های می‌شود و قربانی را از پای درمی‌آورد، پیش می‌برند. البته که ایجاد جنگ‌های خانمان سوز و شیوع بیماری‌های مختلف، قحطی و فقر به خصوص در کشورهای در حال توسعه از جمله اقدامات این کمیته مخوف است که به نوعی نفوذ خود را به شکلی آشکار و خشن به نمایش می‌گذارد.

کمیته ۳۰۰ شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، موسسات بزرگ، بنیادها، شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های زیادی را زیر پوشش خود دارد و این مسأله نشان می‌دهد که همه ابعاد زندگی ما آدم‌ها، اعم از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فارغ از این که در کجای این جغرافیا به سر می‌بریم در کنترل این افراد قرار دارد.

به هر روی، این افراد هستند که تعیین می‌کنند کدام سیاستمدار به قدرت برسد و چه کسی حذف شود، این افراد هستند که بر منابع طبیعی و تولیدات کشورها نظارت دارند و سهم خود را از آنان چپاول می‌کنند، این افراد هستند که هنجار را به ناهنجار و ناهنجار را به هنجار تبدیل می‌کنند و ... ما در این بین گمان می‌کنیم که از آزادی عمل کامل برخوردار هستیم، درحالی‌که افسارمان به دست کسان دیگری است.

## ما مردم چه نقشی داریم؟

به گفته کولمن، ما مردم در اثر این توطئه‌ها راه خویش را گم کرده‌ایم و بنیان‌های فکری‌مان دچار فروپاشی شده است. او اعتراض به این رویه را تقریباً امری غیرممکن می‌داند؛ چرا که از نظر او، افراد جامعه چنان مسخ شده‌اند و به درجه‌ای از بی‌عملی رسیده‌اند که توان مقابله با اقدامات کمیته ۳۰۰ را ندارند. او در این باره می‌نویسد: «... تغییرات به وجود آمده محیط‌مان را دگرگون ساخته و مقاومت‌مان را چنان درهم شکسته که به حالت مشوش و بی‌تفاوتی و مآلاً به خواب رفتگی، در اوج جنگ، کشانده است.» این جملات بدون شک پتک ناامیدی را بر سر هر انسان آزاده‌ای فرود می‌آورد.

و اما نقدی که به این کتاب وارد است، این که کولمن توده مردم را بسیار منفعل می‌پندارد؛ به گونه‌ای که او نقش آگاهی و کنشگری انسان‌ها را بیش از حد ناچیز و ناممکن می‌شمارد. علاوه بر این، در پاره‌ای از وقایع تاریخی بارها از دوش حکومت‌های محلی برمی‌دارد و مسئولیت تمامی بحران‌ها را بر دوش توطئه‌گران می‌اندازد که دیدگاهی بس اغراق‌آمیز و تقلیل‌گرایانه است. در آخر و با وجود همه این نقدها، مطالعه کتاب «کمیته ۳۰۰» باعث می‌شود که مابچشمان بازتری به جهان پیرامون خود نگاه کنیم و ساد از کنار وقایع نگذریم.

■ نگاهی به کتاب «تنهایی تقسیم نمی‌شود»

## یادگار همسایه

عباس صادق‌زاده

پژوهشگر ادبیات و زبان ترکی و فارسی

در میان قفسه‌های کتابخانه مهر که قدم می‌زدم قفسه شعر جهان چندان فروغی نداشت. کم‌تر از یک‌دهم کتاب‌های روان‌شناسی و کمک‌درسی بود. با گذری کوتاه، «تنهایی تقسیم نمی‌شود» با طرح جلد زیبا و دوزبانه بودن دلیل کافی بود که کتاب را برای خواندن امانت بگیرم. در این کتاب، ۵۱ شاعر ترک بسیار گذرا و کوتاه معرفی می‌شوند و شعرهایی از ایشان ترجمه شده است که هریک دریچه‌ای نو به روی خواننده می‌گشایند. برای خواننده تیزبین و ژرف‌اندیش این کتاب بسیار نکته‌ها دارد. با مطالعه این کتاب شراره‌های خوانش کتاب دیگر دو مترجم با عنوان «برای عاشق شدن دیر است، برای مردن زود» در پندارشناسی جهان شعر من لهیب می‌کشید. دو مترجم پیشگفتاری دانش‌ورانه در ۲۱ صفحه برای این کتاب نگاشته‌اند که آشنایی خوب و قابل قبولی برای مخاطب با شعر معاصر ترکیه به همراه دارد. این پیشگفتار کامل نیست ولی شعری ناتمام است که انتظار می‌کشد تا دیگر مترجمان بیایند و ادامه‌دهنده این شاهکار باشند.

یک‌به‌یک صفحه‌های پیشگفتار را به دقت و ژرف‌بینی می‌خواندم. از همان ابتدای کتاب حسگرهای اندیشه‌ام آذیری دلنوازی می‌نواختند. آنجا که در صفحه هفتم خواندم: «اوایل قرن بیستم در ترکیه معروف بود که یک ترک خدایش را به عربی، خانواده‌اش را به ترکی و معشوقه‌اش را به فارسی مورد خطاب قرار می‌دهد.» این جمله از آشنایی‌ای که با ادبیات و زبان ترکی داشتم برایم آشنا نیامد. در هر صورت شمشیر مخالفت را از پهلوی نبستم و گفتم که شاید باشد و من ندانم. آغاز کردم به پرسش از چندین دانشمند اهل فن و آگاه به این زبان. هرکدام پاسخی دادند و هیچ‌کدام به طور کامل قبول نمی‌کردند چنین جمله را، به جز یکی. این هم به نظرم از آن بزرگ‌نمایی‌های است که ما ایرانی‌ها دچار آن شدیم شاید چنین بوده باشد ولی مدرکی برایم پیدا نکردم. شاید هم در یادگار پیشینیان که آن را همان «آتابالاسوزی» در زبان ترکی است آمده است. عنوان کتاب با هوشمندی زیاد و طراحی جلد زیبا نام یک مجموعه شعر از اوزد میرآصف، شاعر کوتاه‌سرای ترک است که جا دارد به این شاعر بسیار بیشتر پرداخته شود و مترجم‌های دیگر نیز دست به کار شوند. کتاب با معرفی و ترجمه چندین شعر از ناظم حکمت، شاعر بسیار فوق‌العاده ترک آغاز می‌شود.



معرفی صفحات رسمی  
سازمان صداوسیما  
در فضای مجازی

صفحات رسمی سازمان صداوسیما  
جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های  
اجتماعی

@IRIB.Organization

بدینوسیله اصل قرارداد و دفترچه  
شماره ۲۳۰۳۱ اوین متعلق به آقای  
علیرضا لوحی وش مفقود و از درجه  
اعتبار ساقط می باشد.

مدارک: سند کمپانی، برگ سبز یک دستگاه خودروی سواری  
سیستم پراید، تیپ جی تی ایکس آی، مدل ۱۳۸۹ به رنگ  
نقره‌ای به شماره پلاک ایران ۵۹-۴۶۵-۲۴ و به شماره  
موتور 3348276 و به شماره شاسی S1412289427985  
بنام کبری آذرنگان به شماره کدملی ۲۱۲۱۲۴۱۸۲ مفقود  
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.